



## سالروز ولادت امام محمد باقر(ع) پیشوای دانایی و شکافنده دانش‌ها

ابوجعفر، امام محمدباقر علیه السلام پنجمین آفتابی است که بر افق پرنور امامت، جاودانه درخشید. زندگی پرنور و برکت آن حضرت، سراسر دانش و ارزش بود و از همین روی «باقرالعلوم»؛ یعنی شکافنده دشواری‌های دانش و گشاینده پیچیدگی‌های معرفت نامیده شد.

همشهری آنلاین: ابوجعفر، امام محمدباقر علیه السلام پنجمین آفتابی است که بر افق پرنور امامت، جاودانه درخشید. زندگی پرنور و برکت آن حضرت، سراسر دانش و ارزش بود و از همین روی «باقرالعلوم»؛ یعنی شکافنده دشواری‌های دانش و گشاینده پیچیدگی‌های معرفت نامیده شد.

به گزارش سرویس دین و معارف اسلامی خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا)، سوم صفر سال 57 هجری، مصادف است با ولادت امام محمدباقرعلیه السلام. آسمان شب سوم صفر سال 57 هجری در شهر مدینه النبی، در انتظار طلوع ستاره درخشان دیگری است. ستارگان به دنیا آمدن گوهر تابناک و گران بهایی را لحظه شماری می‌کنند. ستاره‌ای از ستارگان ولایت، ستاره‌ای پاک، که تاریکی ابرهای پلیدی را خواهد شکافت و زمین و زمینیان را از درخشش خود بهره‌مند خواهد کرد.

تنها علوی که پدر و مادرش هر دو علوی هستند

امام محمدباقر علیه السلام، فرزند سید ساجدین، زین‌العابدین علی بن الحسین علیه السلام است. مادر حضرت، فاطمه دختر امام حسن مجتبی است، بدین سبب، امام محمدباقر تنها نواده هاشم، جد بزرگوار ایشان است که پدر و مادر او نیز هر دو هاشمی هستند و تنها علوی است که پدر و مادرش نیز علوی هستند. مادرش زنی صدیقه بود که امام صادق علیه السلام، در حق ایشان فرمود: «باقر، پدر و مادرش هر دو علوی هستند».

نام‌های امام محمد باقر(ع)

در میان مردم عرب رسم است، در هنگام تولد برای فرزندان اسمی انتخاب می‌کنند سپس کنیه‌ای در بزرگسالی، برای او به نام پدر یا مادر و یا فرزندان می‌گذارند و با ویژگی‌هایش، بر او لقب می‌نهند. اسم شریف آن حضرت محمد و کنیه ایشان ابوجعفر و القاب شریفش باقر، شاکر و هادی است؛ مشهورترین آن‌ها باقر است. این لقبی است که حضرت رسول(ص)، آن را بر ایشان گذارده، چنان چه از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که حضرت فرمود: «باقر، ای جابر، امید است که تو در دنیا بمانی تا ملاقات کنی، فرزندی از اولاد حسین که او را محمد نامند. او علم دین را موشکافی می‌کند، پس هرگاه او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان.»

چرا آن حضرت را باقر لقب داده‌اند؟

بی‌تردید، از دیدگاه علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت، امام باقر علیه السلام در زمان حیات خویش، شهرت علمی عالم‌گیری پیدا کرد و همواره در محضر ایشان، مراجعان فراوانی از بلاد اسلامی حاضر بودند.

در فصول المهمة آمده است: آن حضرت را بدین لقب می‌خواندند زیرا علوم را می‌شکافت و باز می‌کرد. در صحاح آمده است: «باقر، یعنی توسعه در علم». و در قاموس گفته شده است: محمد بن علی بن حسین را باقر می‌خواندند چون در علم تبحر داشت. در لسان العرب نیز ذکر شده است: آن حضرت را باقر می‌خواندند چراکه علم را می‌شکافت و به اصل آن پی می‌برد و فروع علم را از آن استنباط می‌کرد و دامنه علوم را می‌شکافت و وسعت می‌داد. ابن حجر در صواعق می‌نویسد: «باقر را باقر می‌خواندند و این کلمه از «باقر الارض» اخذ شده است، یعنی آنکه زمین را می‌شکافت و مکنونات آن را آشکار می‌کند. زیرا او نیز گنجینه‌های نهانی معارف و حقایق احکام و حکمت‌ها و لطایف را که جز از دید کوتاه نظران و ناپاکان پنهان نبود، آشکار می‌کرد.» از این رو درباره وی گفته می‌شد که آن حضرت شکافنده علم و جامع آن و نیز آشکار کننده و بالا برنده علم و دانش است. در تذکره الخواص نیز آمده است: او را باقر لقب داده بودند زیرا در اثر سجده‌های فراوان، پیشانی‌اش شکاف برداشته بود. برخی هم گویند چون آن حضرت از دانش بسیار برخوردار بود او را باقر می‌خواندند.

زندگانی امام محمدباقر(ع)

امام محمدباقر علیه السلام در دوران کودکی، هم زمان با حکومت یزید بن معاویه، شاهد حادثه‌های خونین کربلا بود. در آن واقعه،

ایشان سه یا چهار سال بیشتر نداشتند. تحمل چنان مصیبتی برای ایشان بسیار طاقت فرسا بود. به شهادت رسیدن نزدیکترین افراد خانواده شان، به دست شقی‌ترین افراد زمانه، مریضی سخت پدر در آن زمان و اسارت زنان و کودکان خانواده ایشان، برای هر کودکی دردناک و تحمل ناشدنی است، اما ایشان به عنایت الهی، همه این‌ها را با صبر جمیل پشت سر گذاشت. دوران جوانی و بزرگسالی ایشان، با اواخر حکومت اموی هم زمان شد، به طوری که دیگر حکومت، اقتدار پیشین را نداشت؛ هر چند آزار مؤمنان، بویژه امام محمدباقر(ع) در دستور کار حکومت بود، اما تزلزل حکومت فضا را برای گسترش فعالیت‌های امام مناسب کرده بود. کم کم ایشان توانستند نشست‌های پربراری را برای احیای اسلام ناب محمدی(ص) تشکیل دهند که از سراسر مملکت‌های اسلامی شاگردان ممتازی تربیت کنند.

#### مبارزه امام با اسرائیلیات

بعضی از بزرگان یهود، در زمان امام محمدباقر علیه السلام با اسلام نمایی، به پراکندن حدیث‌های جعلی درباره پیامبر، بنام &#171;اسرائیلیات» پرداخته بودند. تأثیر این احادیث در مسائل فقهی و کلامی بسیار خطرناک می‌نمود. برای همین، امام با محکوم کردن این حدیث‌ها و طرد آنان، از نفوذ فرهنگ نامطلوب آنان جلوگیری می‌کرد. امامان معصوم نیز، بعدها می‌کوشیدند، این رابطه فرهنگی نامطلوب را که میان مسلمین و یهود به وجود آورده و فرهنگ اصیل و غنی اسلامی را به کج روی می‌کشاند، قطع کنند.

#### زندگی اجتماعی امام باقر(ع)

زندگی امام، آینه تمام نمای زندگی شرافتمندانه انسان‌های موحد و متعالی است. از آشکارترین ویژگی‌های امام، جامع بودن اوست. توجه به علم، او را از اخلاق و فضیلت‌های روحی غافل نمی‌سازد و روی آوری به معنویات و عبادت و بندگی، وی را از پرداختن به زندگی مادی و رابطه‌های اجتماعی و اصلاح جامعه باز نمی‌دارد. در حالی که انسان‌های معمولی، در بیشتر زمینه‌ها گرفتار افراط و تفریط می‌شوند. اگر به زهد و عبادت بپردازند، به عزلت و گوشه نشینی گرفتار می‌شوند و اگر به کار و تلاش روی آورند، از انجام بایسته‌های عبادی و معنوی دور می‌مانند.

#### کرامت‌های امام باقر علیه‌السلام

آن چه اطاعت امام را واجب می‌کند، عقل سلیم است و کرامت‌ها نیز انتخاب عقل را تأیید می‌کند. بدین سبب، از تمامی امامان معصوم کرامت‌هایی آورده شده که از عهده بشر عادی خارج است.

یکی از اصحاب آن حضرت می‌گوید: در کوفه زنی را تعلیم قرائت قرآن می‌نمودم، با او اندکی شوخی کردم، پس چون خدمت آن حضرت شرف یاب شدم، ایشان مرا سرزنش کرد و فرمود: &#171;هرکه در خلوت گناهی کند، حق تعالی به او اعتنایی نخواهد کرد، چه گفتی با آن زن؟» من صورت خود را از شرم پوشانیدم و توبه کردم، حضرت فرمود: &#171;دیگر به این کار شنبیع باز مگرد.»

#### نصیحت‌ها و پندهای امام باقر(ع)

سراسر زندگی آن امام همام ابوجعفرمحمد باقر علیه السلام حکمت و اندرز و سرمشق است. امام فرموده است: چیزی با چیزی نیامیزد که بهتر از حلم با علم باشد. بهترین عبادت، عفت شکم و دامن است. حیا و ایمان به یک ریسمان بسته‌اند هر کدام بروند دیگری دنبال آنست.

#### سیره عملی آن حضرت

در شرح حال آن حضرت می‌نویسند که: روزی از روزهای گرم تابستان آن حضرت با کمک کارگزارانش از شهر خارج و بسوی مزرعه خود رفت. هوا فوق‌العاده گرم بود. امام عرق‌ریزان و با تنی خسته، همچنان ره می‌پیمود، در این هنگام یکی از مسلمانان در خارج به آن حضرت برخورد کرد و سخت متعجب شد و با خود اندیشید که چرا امام در این موقع روز و در این هوای سوزان برای رسیدگی به مزرعه خود از شهر خارج شده است؟

خواست تا در این باره از خود امام علیه السلام توضیحی بخواهد، جلو رفت، عرض ادب کرد و آنگاه گفت: شما از بزرگان قریش هستید. چرا در این هوای گرم برای رسیدگی به امور دنیوی از شهر خارج شده‌اید، راستی که اگر مرگ شما را در این حال دریابد، جواب خدا را چه خواهید گفت؟

این شخص می‌گوید: همینکه این جمله را به امام علیه السلام عرضه داشتم خود را از کارگزارانش جدا کرد و بسوی من متوجه شد و

فرمود: اگر مرگ مرا در این حال دریابد، در بهترین حالتی است که با آن روبرو می‌شوم، حال اطاعت و بندگی خدا، من استراحت را در این هوای گرم از خود گرفته و به دنبال کار و فعالیت می‌روم، می‌روم تا با زحمت و عرق جبین، چرخ اقتصاد زندگی را بگردانم و این بهترین حالتی است که یک انسان می‌تواند در آن قرار گیرد، جای ترس و هراس آنجا است که مرگ بر آدمی وارد شود در حالی که در معصیت خدا باشد و با تن آسایی و تبلی از دسترنج دیگران استفاده کند.

آن مرد گمان می‌کرد که دینداری و فضیلت به آن معنا است که انسان قدرت تولید خود را از دست بدهد و به دنبال کار و فعالیت نرود و همینکه امام علیه السلام این انحراف فکری خطرناک را در او دید، به نصیحتش پرداخت و واقعیت اسلام را در این مساله در برابر او قرار داد.

تسلیم در برابر قضای الهی

گروهی به محضر امام باقر(ع) مشرف شدند، دیدند امام بچه‌ای دارد مریض است و حضرت در مرض او بسیار ناراحت و بی‌آرام است. آنها پیش خود گفتند: خدا نکند که این کودک بمیرد و گرنه به خود امام احتمال خطر می‌رود. در این میان شیون زنان بلند شد، معلوم شد که کودک از دنیا رفته است، بعد از اندکی امام(ع) به نزد آنها آمد ولی خوشحال و قیافه‌اش باز بود.

گفتند: خدا ما را فدای تو کند، شما در حالی بودید که ما فکر می‌کردیم اگر اتفاقی بیافتد شما به وضعی درآیید که موجب غصه ما باشد!! ولی می‌بینیم که قضیه برعکس شد؟

امام(ع) فرمودند: ما دوست می‌داریم که محبوب و عزیز ما در عافیت باشد، و چون قضای خدا بیاید تسلیم آن کار می‌شویم که خدا دوست داشته است: &#171;فقال لهم: انا نحب ان نعافی فیمن نحب فاذا جاء امرالله سلمنالله فیما یحب»

رفتار با یاران و دیگر مردم

آن بزرگوار، یارانش را به همدردی و برادری و نیز یاری مسلمانان سفارش می‌کرد و می‌فرمود: &#171;دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خدا این است که مسلمانی، شکم مسلمانی را سیر کند، غمش را بزداید و دینش را ادا کند».

با همه مهربان بود. حتی با کسانی که نسبت به او رفتار بدی داشتند، از بد کاران در می‌گذشت، اگر نیمه شب مهمانی می‌رسید با مهربانی در برویش باز می‌کرد و در بازکردن بار و بنه‌اش به او کمک می‌کرد، در تشییع جنازه مردم عادی شرکت می‌کرد، لغزش‌های یاران را نادیده می‌گرفت و می‌فرمود: &#171;اصلاح امور زندگی و روش برخورد با مردم چون پیمان‌پری است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن گذشت است».

از تحقیر مسلمانان نهی می‌کرد و به غلامان و کنیزانش می‌فرمود: &#171;گدایان را گدا ننماید و آنها را با این نام نخوانید، بلکه آنان را به بهترین نام‌هایشان صدا بزنید».

در امر اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و تنبیه بدکاران، تلاش می‌کرد آنگاه که از دزدی افرادی آگاه شد، به غلامانش دستور داد. آنها را گرفتند و به والی مدینه تحویل دادند و اموال دزدیده شده را خود به صاحبان آنها برگرداند.

یاران و همراهان را غذا می‌داد و چون کمی از آنان فاصله می‌گرفت در برخورد مجدد با آنان چنان احوال‌پرسی می‌کرد که گویا مدت‌ها است آنها را ندیده است.

سلام بر آن روح بلند، بر آن جسم پاک، بر آن امام همام، سلام بر علم بی‌کران، سلام بر حلم فراوان، سلام بر آن زاهد عابد، سلام بر آن صابر شکور، سلام بر امام محمد باقر(ع) پاک و پاکیزه، نور روشنگر، پاک و پاکیزه است از آلائش هر چیز که در عصمت و طهارت خدشه می‌کند.

منابع:

زندگانی چهارده معصوم(ع)

سیره پیشوایان معصومان(ع)

زندگی سیاسی امام باقر(ع)